

Principles and Strategies of Liberalism in Sex Education Compared to the Islamic Perspective: A Critical Analysis

Masoud Nooralizadeh Mianaji¹

Abdullah Rahimi²

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Shahed University, Tehran

(corresponding author)Email: mnoor57@gmail.com

2. M.Sc., Positive Psychology, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom

Abstract

Sexual health is one of the most important human concerns and one of its basic prerequisites is sexual education. The method of this research is qualitative analysis of documents. Giving man independence and his needlessness from God, authenticating individual freedoms and denying moral principles and values, materialism, the originality of pleasure in hedonistic behaviors and actions, are among the most important principles of liberalism in sex education. From the Islamic point of view, sex education should be based on monotheism and morality and put him on the path of growth. In hedonism, man has a framework with a fixed moral value. The system of sexual education in the Islamic approach is based on principles such as three principles: 1) God-centeredness, 2) Nature-based 3) Dignity of the soul. Content-oriented education and comprehensive sex education are considered as sexual education strategies in the West. The goal of these strategies is more health and control of sexually transmitted diseases than the elimination of sexual relations outside the framework of marriage; Unaware that, according to available research and evidence, these trainings themselves are one of the factors increasing sexual problems in the West. In contrast, in the Islamic approach, sex education is commensurate with human nature and self-respect. Immunization based on refinement, upbringing, and empowerment is the basic Islamic strategy in sex education. Education based on these principles and strategies can help self-efficacy and management of sexual behavior and guide it in the natural path of sexual response, while promoting healthy sexuality.

Keywords: Sex education, sexual liberalism, Islamic principles, immunization, sexual ethics.

*. Date of Reception: 2021/11/01 , Date of Acceptation: 2021/12/03

مبانی و راهبردهای لیبرالیسم در آموزش جنسی:

تحلیلی انتقادی و مقایسه‌ای با دیدگاه اسلامی

مسعود نورعلیزاده میانجی^{۱*}

عبدالله رحیمی^۲

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه شاهد، تهران (نویسنده مسئول)

Email: mnoor57@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، روان‌شناسی مثبت‌نگر، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم

Email: h.r.62464@gmail.com

چکیده

سلامت جنسی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسانی است که آموزش جنسی از پیش‌نیازهای اساسی آن است. هر نوع آموزشی نیز دارای راهبردهایی مبتنی بر مبانی خاص است. روش این پژوهش از نوع تحلیل کیفی اسناد است. تحلیل‌های انتقادی نیز با استفاده از روش عقلی و در مقایسه با مبانی اسلامی و هم‌چنین تحلیل ثانویه انجام گرفت. استقلال دادن به انسان و بی‌نیازی او از خداوند، اصالت بخشیدن به آزادی‌های فردی و انکار اصول و ارزش‌های ذاتی و ثابت اخلاقی، مادی‌گرایی، اصالت لذت در رفتارها و کنش با محوریت لذت‌جویی، از جمله مهم‌ترین مبانی لیبرالیسم در آموزش جنسی است. درحالی‌که از دیدگاه اسلامی، تربیت و آموزش جنسی باید بر اساس توحید محوری و اخلاق‌مداری پایه‌ریزی شود تا او در مسیر رشد و بالندگی قرار گیرد. از دیدگاه اسلام، انسان در لذت‌جویی دارای چارچوب با ارزش‌گذاری اخلاقی ثابت است. نظام تربیت جنسی در رویکرد اسلامی بر اساس پایه‌هایی استوار است که سه اصل خدامحوری، فطرت‌بنیان و کرامت نفس از بیشترین اهمیت برخوردارند. آموزش‌های مهارمحور و آموزش جامع جنسی به‌عنوان راهبردهای آموزشی جنسی در غرب مطرح هستند. هدف این راهبردها، بیشتر جنبه بهداشتی و کنترل بیماری‌های جنسی است تا حذف روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج. غافل از این‌که بر اساس تحقیقات و شواهد موجود، این آموزش‌ها خود به‌عنوان یکی از عوامل افزایش مشکلات جنسی در غرب است. در مقابل، در رویکرد اسلامی، آموزش جنسی متناسب با فطرت انسانی و کرامت نفس است. مصون‌سازی مبتنی بر تهذیب، پرورش، و توانمندسازی، راهبرد اساسی اسلامی در تربیت جنسی است. آموزش‌های مبتنی بر این نوع مبانی و راهبرد، می‌تواند در عین رشد سالم و متعادل جنسینگی (رفتار جنسی)، به خودکارآمدی و مدیریت رفتار جنسی و هدایت آن در مسیر طبیعی پاسخ جنسی کمک کند.

کلیدواژه: آموزش جنسی، مبانی و راهبردها، لیبرالیسم، دیدگاه اسلامی، تحلیل انتقادی و مقایسه‌ای، جنسینگی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲

مقدمه

غریزه و میل جنسی از مهم‌ترین جنبه‌های شخصیتی است که بر بسیاری از ابعاد و زوایای زندگی آدمی و بر رفتار، کردار و منش او تأثیر می‌گذارد. افزون بر آن، با توجه به قدرت فراوان غریزه و نیاز جنسی در وجود انسان، همواره به‌عنوان چالشی‌ترین مسئله در زندگی محسوب می‌شود. سلامت جنسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسانی است که از پیش‌نیازهای اساسی آن، تربیت و آموزش جنسی است. از دیدگاه سانتراک^۱ (۲۰۱۸)، تربیت جنسی فرایندی دائمی است که افراد از طریق آن اطلاعات لازم را درباره مسائل جنسی کسب می‌کنند. این فرایند به رشد جنسی سالم، بهداشت و روابط خوشایند زناشویی و نقش‌های جنسی کمک می‌کند.

هر یک از صاحب‌نظران و اندیشمندان تعلیم و تربیت و روان‌شناسی، بر مبنای طرز تلقی و مبادی فکری و معرفتی خود و نیز ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه موردنظر، برداشت خاصی را از تربیت و آموزش جنسی ارائه کرده‌اند که نشانگر نوع نگاه و رویکرد آن‌ها نسبت به این حوزه روانی - تربیتی است. یکی از چالش‌های جدی در سبک زندگی و حوزه زیست جنسی که امنیت روانی - اجتماعی افراد و خانواده را نشانه گرفته، مسئله لیبرالیسم جنسی^۲ است. نوعی جهان‌بینی و نگرشی که با بی‌قیدوبندی در اخلاق و رفتار جنسی همراه بوده و افراد جامعه را به انحطاط و خانواده را به تزلزل و فروپاشی می‌کشاند. لیبرالیسم که خاستگاه اصلی آن غرب است، به دنبال داشتن آزادی جنسی و نوعی رفتار جنسی منهای خدا و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی است. این نوع نگرش و زیست جنسی لیبرالیسمی که با افراط در لذت‌جویی همراه است، سبب می‌شود که این ظرفیت مهم خدادادی، یعنی میل جنسی که با بهره‌مندی درست و متعادل آن قرار است انس و الفت و آرامش بیشتر بین زن و شوهر و در نتیجه استحکام خانواده و بقای نسل ایجاد گردد، در خدمت اهداف شیطانی، انحرافات و زوال آن قرار گیرد.

هم‌چنین از چالش‌های مهم خانواده‌ها در دوران کنونی، مسئله آموزش جنسی کودکان و نوجوانان به‌خصوص در مدارس است که برخی خانواده‌ها موافق و برخی مخالف‌اند. یکی از علل سردرگمی‌های موجود در این مسئله، تفکیک نکردن مبانی و راهبردهای آموزش جنسی در مدارس، خانواده‌ها، اساتید و دانش‌آموزان است. از سویی به آموزش جنسی احساس نیاز می‌شود و از سویی دیگر، احساس خطر. تا مبانی و راهبردهای اسلامی از مبانی و راهبردهای غربی متمایز نگردد، دغدغه‌های ذهنی خانواده‌ها و کنشگران تربیتی و اجتماعی برطرف نخواهد شد.

.....
1. Santrock.

2. Sexual liberalism.

مبانی اشاره به گزاره‌های توصیفی دارد که بیان‌کننده دیدگاه لیبرالیسم و اسلام در مورد انسان و آموزش به اوست (طاهرپور و شرفی، ۱۳۹۰). راهبرد نیز اشاره به مسیری کلی دارد که انسان را به هدف موردنظر از آموزش می‌رساند (قماشی، ۱۳۹۴).

فروید^۱ (۱۳۹۸) و راسل^۲ (۱۳۶۲) آزادی و عدم محدودیت در ارضای نیازهای جنسی را به‌عنوان یکی از مبانی لیبرالیسم جنسی مورد تأکید و تقویت قرار دادند. تحت تأثیر این مبانی و تغییر و تحولات اجتماعی در غرب از سال ۱۹۶۴م «انقلاب جنسی»^۳ به وجود آمد. در غرب معاصر، باوجود چالش‌هایی که بر سر راه این بی‌بندوباری‌ها ایجاد شده، اما افرادی هستند که هنوز بر ساز انقلاب و آزادی جنسی می‌دمند (اسکافر،^۴ ۲۰۱۴) و پژوهشگرانی مانند کان^۵ و دیگران (۲۰۱۷) که راهبرد «روابط جنسی ایمن» را موردتوجه خود قرار می‌دهند. یونسکو^۶ در سال ۲۰۰۹، باوجود تأکید بر خویشتن‌داری جنسی، در برنامه آموزشی موسوم به ۲۰۳۰، «آموزش جامع جنسی» را به‌عنوان راهبرد پیشنهادی خود مطرح کرد. در گوشه و کنار جهان پژوهشگرانی چون بیلی و ولف^۷ (۲۰۱۴)، هال^۸ و دیگران (۲۰۱۶)، لیونگ^۹ و دیگران، (۲۰۱۹)، و سانتلی^{۱۰} و دیگران (۲۰۱۹) به بررسی آموزش جامع جنسی پرداخته و نتایج ضدونقیضی از آن ارائه کرده‌اند.

در پژوهش‌های داخلی، بیشتر پژوهش‌ها به نقد مبانی فلسفی سکولاریسم (که مبانی نظری لیبرالیسم محسوب می‌شود) پرداخته‌اند. مطهری در آثار متعدد خود (برای نمونه: ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸)، مبانی فلسفی سکولاریسم را نقد کرده است. محرم‌خانی (۱۳۸۶) به نقد مبانی فلسفی سکولاریسم و سربخشی (۱۳۸۸) به نقد مبانی اخلاق سکولار پرداختند. خویی و خسروپناه (۱۳۹۲) نسبت اخلاق دینی و اخلاق سکولار را بررسی کرده‌اند. توسلی (۱۳۹۲) تربیت دینی و تربیت سکولار را موردبررسی قرار داد. احمدیان احمدآبادی و اخوان (۱۳۹۶) بر اساس مکتب علوی، سکولاریسم را نقد کرده‌اند. داورپناه و بینای مطلق (۱۳۹۳)، انسان‌محوری به‌عنوان

1. Freud, S.
2. Russell, B.
3. Sexual revolution.
4. Escoffir.
5. Kann.
- 6 UNESCO.
7. Bailey & Wolf.
8. Hall.
9. Leung.
10. Santelli.

مهم‌ترین مؤلفه سکولاریسم را به نقد کشیدند. آهی و گندمی (۱۳۹۶)، مبانی معرفتی نسبی‌گرایی در اخلاق سکولار را موردنقد قرار دادند.

هرچند مبانی جنسی سکولاریسم مبتنی بر مبانی فلسفی آنان است، اما کمتر پژوهشی به صورت متمرکز به مبانی جنسی آنان پرداخته است. مطهری (۱۳۹۵) به بیان مبانی اخلاق جنسی غرب و نقد آن با روش فلسفی پرداخته است. طاهرپور و همکاران (۱۳۹۲) رویکرد لیبرال و اسلامی درباره اخلاق جنسی را به اختصار ذکر کردند. متقی‌فر (۱۳۸۹) و فرمهینی (۱۳۸۶) نیز بدون اشاره به مبانی لیبرالیسم یا اسلامی در تربیت و آموزش جنسی، به بیان سه دیدگاه درباره ارضای غریزه جنسی (دیدگاه تفریطی، افراطی و متعادل) پرداخته‌اند. عباسی (۱۳۹۶) برخی از راهبردهای غربی در آموزش جنسی را موردبررسی قرار داده و نتایج برخی از پژوهش‌ها درباره آموزش جامع جنسی را گزارش می‌کند. زارعی توپخانه و چراغیان (۱۳۹۸) نیز به بررسی نهضت انقلاب جنسی و خودمهارگری در غرب با استناد به پژوهش‌های غربی پرداخته، ضرورت، مزایا، عوامل و آموزش مبتنی بر خودمهارگری جنسی را بیان کردند. به‌طورکلی این پژوهش‌ها، یا به نقد فلسفی مبانی سکولار پرداخته، آموزش جنسی را مطرح نکرده‌اند و یا به بررسی مورو چندین پژوهش اکتفا کرده و به تحلیل انتقادی و مقایسه‌ای با دیدگاه اسلامی در خصوص تربیت و آموزش جنسی نپرداخته‌اند.

درباره مبانی اسلامی تربیت و آموزش جنسی، به‌طور مستقیم، مطالعات اندکی به چشم می‌خورند. سند بالادستی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰) به خدامحور بودن و فطرت انسانی در اصل تربیت اشاره دارد. رهنما و همکاران (۱۳۸۶) ده مبنا در تربیت جنسی ارائه کردند که عبارت‌اند از: تأثیر شرایط بر انسان؛ تأثیر انسان بر شرایط؛ ضعف؛ اشتیاق به تداوم نسل؛ تفاوت ظرفیت‌های جنسی در انسان؛ حب ذاتی انسان به جنس مخالف؛ نیازمندی؛ اندیشه‌ورزی و وجود مراحل مختلف رشد و تطور در آدمی. بهشتی (۱۳۹۴) چهار مبنا برای تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی ارائه کرد که عبارت‌اند از: عطیه الهی بودن غریزه جنسی؛ تدریجی بودن مراحل رشد غریزه جنسی؛ نیرومندی غریزه جنسی و ناتوانی انسان و پلیدی عزوبت. فقیهی (۱۳۹۸) پنج مبنا در تربیت جنسی را مشخص کرده که عبارت‌اند از: وجود غریزه جنسی؛ تمایل به معنویت و فضیلت دوستی؛ نیاز انسان به همدم؛ زیبادوستی و نیاز به محبت. این پنج مبنا برآمده از تعریف مبنا به هستی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های انسانی است که خواسته‌ها و عملکردهای جنسی از آن‌ها پدید می‌آید. با توجه به این معنا، مبانی پیش‌گفته، به‌صورت مستقیم، به مسئله آموزش جنسی ناظر نیست، بلکه ناظر به ابعاد وجودی انسان و میل جنسی اوست.

طاهرپور و شرفی (۱۳۹۰ و ۱۳۹۸) مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی (خداشناسی، هدفمندی هستی، عدم انحصار به دنیا و توجه به آخرت) و مبانی ارزش‌شناختی اخلاق جنسی (فطری بودن ارزش‌های اخلاقی، خیر علی الاطلاق بودن خداوند، اعتباری بودن ارزش‌ها، ثبات و تغییر در ارزش‌ها و عدالت) را موردبررسی قرار دادند. هم‌چنین طاهرپور و همکاران (۱۳۹۲) به مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی (غریزه جنسی، فطرت الهی، کرامت،

اندیشه‌ورزی، اصالت روح، قابلیت تکامل نفس، اختیار و انتخاب آگاهانه، حب ذات، چند ساحتی بودن انسان، هویت جمعی و ضعف) پرداختند. همان‌طور که روشن است، این مبانی نه با محوریت آموزش جنسی که با محوریت اخلاق جنسی بررسی شده‌اند.

از این رو، پژوهش‌های انجام‌گرفته، چندان نگاه تحلیلی و نقادانه بر مبانی آموزش در حیطه مسائل جنسی نداشته و هیچ‌یک به تبیین راهبردهای اسلامی در تربیت و آموزش جنسی نپرداخته‌اند. بنابراین، با توجه به اهمیت تربیت جنسی و نیاز به آن در عصر کنونی و رواج مسائل آموزش جنسی مبتنی بر فرهنگ لیبرالیسم غربی در ایران که مخالف با مبانی اسلامی و فرهنگ ایرانی است، ضرورت دارد به نقد مبانی آموزش جنسی لیبرالیسم و راهبردهای آن پرداخته، سپس مبانی برآمده از منابع اسلامی مورد بررسی و راهبردهای برآمده از آن ارائه گردد.

روش این پژوهش، کیفی از نوع تحلیل انتقادی - مقایسه‌ای است. برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی^۱ استفاده گردید. اسناد موجود پیرامون تبیین مبانی و راهبردهای لیبرالیسم جنسی و پژوهش‌های انجام‌گرفته پیرامون آن‌ها گردآوری و پس از ساماندهی اطلاعات مورد تحلیل انتقادی با روش عقلی و در مقایسه با مبانی اسلامی و شواهد موجود قرار گرفت. در نقد راهبردهای آموزشی لیبرالیسم، اغلب از تحلیل ثانویه استفاده شد. تحلیل ثانویه به بهره‌گیری از داده‌های جمع‌آوری شده حاصل از یک یا چند مطالعه قبلی باهدف پاسخ‌دهی به سؤال‌ها و یا فرضیه‌های جدید گفته می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۹۸). برای تبیین مبانی و راهبردهای اسلامی هم از تحلیل اسنادی^۲ و متن^۳ استفاده شد. جامعه اسنادی پژوهش شامل برخی منابع اسلامی شامل: قرآن کریم و تفاسیر از جمله میزان و تسنیم، برخی منابع حدیثی مانند: الکافی، نهج‌البلاغه، وسایل‌الشیعه، بحارالانوار و...، و هم‌چنین منابع دیگری که به بررسی و تحلیل اسلامی در خصوص موضوع پژوهش پرداخته بودند.

بنابراین هدف از پژوهش پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. مبانی آموزش جنسی لیبرالیسم چیست؟
۲. راهبردهای آموزش جنسی لیبرالیسم کدام‌اند؟
۳. بر مبانی لیبرالیسم و راهبردهای آموزش جنسی آنچه نقدی وارد است؟
۴. مبانی اسلامی تربیت جنسی چیست؟
۵. راهبردهای اسلامی تربیت جنسی کدام‌اند؟

-
1. Documental method.
 2. Documentary analysis.
 3. Text analysis.

مبانی و راهبردهای لیبرالیسمی در آموزش جنسی

خاستگاه اصلی لیبرالیسم جنسی، غرب است. رویکرد غرب به مسئله جنسی، در طول تاریخ دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است. سیر تطور آن را می‌توان در چهار مرحله اساسی خلاصه کرد:

۱. مرحله سنتی، مذهبی و اخلاقی (تا اوایل قرن بیستم): در این مرحله پایبندی کامل به حدود و مرزهای سنتی، مذهبی و اخلاقی مشهود بوده و روابط جنسی صرفاً در چارچوب ازدواج شکل می‌گرفت؛

۲. انقلاب جنسی و گرایش به آزادی جنسی (از سال ۱۹۶۴): نگرش سهل‌گیرانه به روابط قبل از ازدواج، تغییر الگوی ارتباطی، به چالش کشیدن هنجارهای جنسی گذشته، طبیعی شدن رابطه جنسی آزاد، قانونی شدن سقط‌جنین، گسترش هم‌جنس‌گرایی^۱ و حذف آن از DSM^۲ (راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی) و پذیرش هویت هم‌جنس‌گرایانه^۳، گسترش مفهوم عشق آزاد^۴ از جمله رویدادهای این مرحله است (اسکافر، ۲۰۱۴ و زارعی، ۱۳۸۹).

۳. داشتن روابط جنسی ایمن؛ با مشاهده عوارض گوناگون آزادی جنسی، جبهه قدرتمندی باهدف متوقف کردن انقلاب جنسی شکل گرفت. پژوهش‌های متعددی مانند رکتور، جانسون و نوویز^۵ (۲۰۰۳) وانگ، چنگ و چو^۶ (۲۰۰۹)، میدلسون^۷ و دیگران (۲۰۱۳) و کان و دیگران (۲۰۱۷)، آسیب‌های گوناگون جسمانی، روانی، خانوادگی و اجتماعی انقلاب جنسی را که بحران گسترده‌ای در غرب به راه انداخته بود، گزارش کردند. این بحران‌ها باعث پایه‌ریزی قوانینی با طرح رابطه جنسی ایمن^۸ همراه با وسایل پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی و بارداری شد و در دستور کار آموزشی قرار گرفت (کان و دیگران، ۲۰۱۷). طبق گزارش اپونته، استفنن و جیمینز^۹ (۲۰۱۲)، شیوه آموزشی رابطه جنسی ایمن گرچه تا حدودی از نظر مراقبت مفید واقع شد، اما دیگر عوارض جسمانی، روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی روابط جنسی را از بین نبرد (زارعی، ۱۳۸۹).

1. Homosexual.

2. Diagnostc and Statitcal Manual of Mental.

3. Homosexual identity.

4. Free love.

5. Rector, Johnson & noyes.

6. Wang, cheng & chou.

7. Middleton.

8. Safer sex.

9. Aponte, Estupinan & Jimenez.

۴. جنبش‌هایی برای خویشتن‌داری و کاهش رفتارهای پرخطر جنسی؛ به‌رغم اجرای آموزش‌های رابطه جنسی ایمن، عوارض روابط آزاد به‌طور روزافزونی در پژوهش‌ها نمایان می‌شود. بنابراین، خویشتن‌داری جنسی تا زمان ازدواج (AUM)^۱ در غرب مطرح و به‌عنوان یک روش پیشگیری سالم و بی‌خطر معرفی شد. خط‌مشی دولت آمریکا نیز بر آموزش گسترده این روش قرار گرفت، اما این برنامه نیز به موفقیتی قابل قبول نرسیده و در تأخیر شروع رابطه جنسی تا زمان ازدواج و یا تغییر سایر رفتارها مؤثر واقع نشده است. در مقابل، برنامه آموزش جامع جنسی (CSE)^۲ که افزون بر برنامه‌های خودداری و به تأخیر انداختن آغاز روابط جنسی، بر برنامه‌هایی در خصوص کاهش رفتارهای پرخطر جنسی و عوارض آن، از جمله بیماری‌های مقاربتی تأکید داشت و تحت حمایت دولت قرار گرفت. صندوق گزارش جمعیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۶) و هم‌چنین یونسکو در برنامه آموزش ۲۰۳۰ نیز بر اولویت آموزش جامع جنسی تأکید داشته‌اند (لیونگ و دیگران، ۲۰۱۹ و سانتلی^۳ و دیگران، ۲۰۱۹).

هرچند در فراز و نشیب چنین تطور جنسی در غرب، شاهد اقداماتی برای بازگشت به عفاف و خویشتن‌داری دیده می‌شود، اما لیبرالیسم جنسی به طرز مرموزی ریشه دوانده و رویکرد غالب غرب و دیگر کشورهای غرب‌زده گشته و در عمل، همچنان در نظام آموزشی آن‌ها جولان می‌دهد. اومانیسم^۴ و اصالت بشر از تفکرات و فلسفه غالب این فرهنگ است. از سال ۱۹۳۳ تاکنون، اومانیسم‌ها در سه بیانیه^۵ با موضوع بسط و تبیین فلسفه و سیستم ارزشی به تبیین جهان‌بینی خود پرداخته‌اند. در سال ۱۹۸۰ نیز سند مشابهی تحت عنوان «یک بیانیه انسان‌گرای سکولار»^۶ توسط شورای اومانیسم سکولار منتشر شد. دیدگاه‌های اومانیسمی و لیبرالیسمی به لحاظ شناختی و باورها، گرایشی و ارزش‌ها، رفتاری و کنش‌ها، به‌طور خلاصه دارای ویژگی‌های زیر است:

- استقلال دادن به انسان و بی‌نیازی از خداوند؛

- اصالت بخشیدن به آزادی‌های فردی و انکار اصول و ارزش‌های ذاتی و ثابت اخلاقی؛

- مادی‌گرایی، اصالت و ارزش امور دنیوی، و رفتار جهت‌تأمین این جهانی؛

1. Abstinence-Until-Marriage.
2. Comprehensive Sexuality Education.
3. Santelli.
4. Humanism.
5. Manifest.
6. A secular humanist declaration.

- لذت‌گرایی^۱ و فایده‌گرایی^۲؛

- گرایش به بی‌بندوباری، اصالت لذت در رفتارها و کنش با محوریت لذت‌جویی؛

- روشنفکرانمایی، قداست‌زدایی، سکولاریسم^۳ و رهایی از قید دین در باب مسائل اجتماعی.

نقد مبانی لیبرالیسمی و اخلاق جنسی در غرب

بین معیارها و هنجارهای اسلامی و فرهنگ‌های لیبرالیسمی تفاوت‌هایی وجود دارد. اهمیت نداشتن اعتقاد به خدا از جنبه اخلاقی و رفتاری و اصالت دادن به انسان، از مبانی اخلاق جنسی در غرب است که ریشه در جهان‌بینی سکولار و لیبرال حاکم بر آن دارد، اما در مقابل، مبانی اخلاق جنسی در اسلام بر اساس توحیدمحوری است. هدف از رفتارهای انسانی نه فقط برای لذت‌جویی که با هدف بندگی خداست (ذاریات، ۵۶). ارضای این گزینه دو راه جایز و حلال و ممنوع و حرام دارد. وقتی انسانی از راه حلال اقدام کند و از راه ممنوع روی گرداند، این رویگردانی از راه نامشروع به این ارضای حلال شهوت او ارزش‌خدایی می‌دهد؛ چراکه با این کارش از راهی ناپسند دوری کرده است (حج: ۳۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۱۰ و نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۳ و ۱۵۴). به همین جهت است که در روایات ائمه (علیهم السلام) در خصوص ارضای نیازهای جنسی از طریق همسر، پاداش‌های بزرگی بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۶، نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۱). در نتیجه از نظر اسلام، تشویق به رفتار جنسی صحیح برای بازداری از رفتار جنسی انحرافی ارزش‌گذاری می‌شود (لذت‌جویی حلال برای بازداری از لذت‌جویی حرام) که در نتیجه انسان در لذت‌جویی خود، دارای چارچوب با ارزش‌گذاری اخلاقی می‌گردد. برخلاف مبانی لیبرالیسم که رفتار جنسی مبتنی بر ارضای شهوت و لذت‌جویی صرف است. هر کسی آزاد است تا به تمایلات خود برسد و هر چه مانع از این آزادی در لذت‌جویی گردد مخالف حقوق بشر شمرده خواهد شد.

اسلام ارضای گزینه جنسی را تنها در بستر خانواده سازنده می‌داند (مؤمنون: ۶-۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۲۲)، اما در فرهنگ غرب، ملاک، نیاز و دلخواهی انسان است و کسی حق منع حقوقی یا اجتماعی رفتارهای جنسی مورد رضایت بین بزرگسالان^۴ را ندارد. در نتیجه اگر عده‌ای تمایل به خودارضایی^۵، روابط نامشروع و

1. Hedonism.

2. Utilitarianisme.

3. Secularism.

۴. البته امروزه در بیشتر جوامع غربی دامنه این سن رو به کاهش است و قانون‌گذاران تحت فشار سیاست‌های لیبرالیسمی و استحاله فرهنگی مجبور می‌شوند تا افراد جوان و حتی نوجوانان را شامل آن کنند.

5. Masturbation.

غیرمجاز، هم‌جنس‌گرایی، حیوان‌بازی، شیء‌خواهی و سایر موارد انحرافی داشتند، آزاد بوده و چارچوب و محدودیتی ندارند. حذف انحرافاتمانند خودارضایی و هم‌جنس‌گرایی از عنوان اختلالات پارافیلیک^۱ جنسی در نسخه‌های اخیر DSM نیز در همین راستاست. فرهنگ اسلامی، رفتار جنسی انسان را دارای «چارچوب و محدوده سازنده» می‌داند، اما فرهنگ غرب به آن «آزادی افسارگسیخته و مخرب» می‌بخشد.

در لیبرالیسم، موضوعات و مسائل گوناگون به‌صورت مستقل ارزش‌گذاری «خوب» یا «بد» نشده و نظام و ارزش‌های اخلاقی ثابتی مطرح نیست. بنابراین، تعاملات مختلف جنسی به‌خودی‌خود، خوب یا بد تلقی نمی‌شوند، بلکه خوب و بد بودن تابع نظر و رأی خود شخص یا اکثریت مردم بوده و به‌مرور زمان قابل تغییر است. جنبه اخلاقی و به‌تبع آن، اخلاق جنسی وابسته به «عرف حاکم بر جامعه» یا «عرف عمومی» است؛ یعنی اکنون با نظر مردم آمیزش جنسی از قید ازدواج رها می‌گردد، صنعت هرزه‌نگاری^۲ ممنوع نمی‌شود، هم‌جنس‌بازی قانونی می‌شود، سقط‌جنین آزاد می‌شود و... درعین‌حال، مادامی‌که خلاف خواسته عمومی یا سیاسی نباشد،^۳ هیچ‌یک برچسب بی‌اخلاقی و بی‌بندوباری نمی‌خورد. اگر سفارشی اخلاقی هم در جامعه غرب وجود دارد، در خصوص مواردی است که با دلخواه و حقوق لیبرالی دیگران در تزامن باشد و این سفارش‌ها جنبه اخلاقی ذاتی را ندارند. در فرهنگ لیبرالیسمی و آموزش‌های جنسی آن‌ها مفاهیمی مانند «حیا»، «عفت»، «غیرت» و «تقوا»، دیگر دارای ارزش مثبت اخلاقی نیستند و برای بسیاری از مفاهیم مانند «ناموس» و «غیرت» در زبان‌های غربی مانند زبان آلمانی، معادلی وجود ندارد (والدمن، ۱۳۸۴).

راسل^۴ معتقد است با توجه به تغییرات عصر حاضر و پیشرفت تمدن، اخلاق جنسی نوینی متناسب با این تمدن باید شکل بگیرد که بر سه اصل استوار است:

۱. اصل فلسفی: هر فرد به‌طور کامل آزاد بوده و تنها محدودیت او عدم سلب آزادی دیگران است (راسل، ۱۳۶۲)؛

۲. اصل تربیتی: سعادت بشر و رشد و تربیت او درگرو پرورش و استفاده از استعدادها و غرایز اوست و منع و سرکوبی آن‌ها مخرب است (فروید،^۵ ۱۳۴۳؛ آریان‌پور، ۱۳۵۷)؛

1. Paraphilic.

2. Pornography.

۳. چنین قیدهایی نشانگر این است که در کشورهای غربی، آزادی مطلق وجود ندارد و برای مثال اگر به یک خانم در معابر و خیابان‌ها یک تعرض معمولی هم بشود، با شکایت او به شدت با آن فرد خاطی برخورد می‌شود.

4. Russell.

5. Freud.

۳. اصل روانی: میل انسان بر اثر منع، تشدید شده و در اثر ارضاء کاهش می‌یابد (راسل، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۲؛ دوران، ۱۳۹۸).

طبق اصل اول، انسان آزاد است تا هر نوع بهره‌برداری دلخواه و موردنیازش را برقرار کند. منشأ این آزادی از نظر غرب، هوا و هوس، میل، اراده و دلخواه انسان است و این آزادی حق او بوده و به طور مطلق محترم است و تنها محدودکننده آن، تعارض و تراحم آن با آزادی دیگران است، اما از نظر اسلام، منشأ آزادی در انسان، استعدادها عالی و مقدس نهادینه‌شده در بشر برای ترقی و تکامل است و اراده و میل او تا آنجا محترم است که با این استعدادها هماهنگ بوده و او را در مسیر ترقی و تعالی سوق دهد، اما درجایی که او را به سوی فنا و نیستی و ظلمت بکشاند، احترامی نمی‌تواند داشته باشد. هم‌چنین افزون بر آزادی‌ها و حقوق دیگران، مصالح برتر فرد نیز یکی دیگر از محدودکننده‌های آزادی اوست (مطهری، ۱۳۹۵).

طبق اصل دوم، تعادل روانی انسان درگرو شکوفا شدن و استفاده از استعدادها و توانمندی‌های اوست و هرگونه ایجاد محدودیت، عامل برهم زنده آرامش و تعادل و ضد اخلاقی است. گزینه جنسی هم نوعی استعداد نهادینه‌شده در انسان است و جلوگیری از شهوت، پایبندی به عفت و تقوا، تحمل و خودنگهداری، موجب از بین رفتن آرامش شده و ضد اخلاقی خواهد بود. فروید (۱۳۹۸) نیز منشأ هیستری^۱ را همین محدودیت‌ها دانسته و معتقد است تظاهرات هیستریک،^۲ طغیان هیجانی در اثر رشد یافتن نیروهای محدودکننده میل جنسی مانند شرم و نفرت، و تجمع خارج از متعارف میل‌های ارضاننده و واپس‌راننده‌شده به ناهشیاری است، اما این را باید دانست که شکوفا کردن و پرورش استعدادها به معنای آزادی مطلق در بهره‌برداری از استعداد نیست، بلکه این آزادی مطلق چه بسا مانع پرورش آن استعداد گردد. آنچه موجب پرورش استعدادها می‌شود، تربیت و تعادل در آنهاست. در نتیجه، پرورش گزینه جنسی به آزادی مطلق آن نیست، بلکه به استفاده متعادل و اصولی از آن است که اسلام آن را در محیط خانواده و بین زن و شوهر می‌داند.

طبق اصل سوم، اگر کسی بخواهد گزینه جنسی را در خود تعدیل کرده و کاهش دهد، از طریق منع، خودداری و پرهیز به این کار موفق نمی‌شود، بلکه به جای کاهش، تشدید می‌یابد. به جای کشتن این گزینه، باید از آن استفاده کرد تا مانند خوردن و آشامیدن، سیر شود. پس محدودیت‌ها را باید از میان برداشت. بنابراین برای از بین رفتن اشتیاق کودکان و فرونشاندن حس کنجکاوای آن‌ها، والدین می‌توانند اعضای تناسلی خود را به آن‌ها نشان دهند (راسل، ۱۳۵۷). برخی چنین می‌پندارند که راهکار مقابله‌ای اسلام با این‌گونه

1. Durant.

2. Hysterie.

3. Hysterical appearances.

غرایز، سرکوبی و کشتن میل جنسی است. از نگاه اینان، ریاضت نفس و خودسازی به معنای سرکوبی و پرهیز کامل از این امور است. این در حالی است که قرآن، از راهکار مقابله با طغیان نفس و جلوگیری از تشدید آن، نه به تذکیر نفس (ذبح کردن و کشتن) که به تزکیه (پاک کردن) آن سفارش کرده است. سرکوبی غرایز، منفی و نادرست است، اما این به معنای آزادی مطلق در استفاده نیست، بلکه باید از راه صحیح و پاکیزه (عقیقانه) مورد استفاده قرار گیرد تا تعادل حفظ گردد.

راسل (۱۳۶۲) اعتراف می‌کند عطش روانی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آنچه با ارضا شدن تسکین می‌یابد، حرارت جسمی است، نه عطش روانی. اتفاقاً با آزادی و بی‌بندوباری جنسی این عطش جنسی، افزایش یافته و مخرب می‌شود. بر اساس نتایج پژوهش‌ها نیز، این سه اصل نه تنها باعث رشد و شکوفایی و تعدیل امیال جنسی نگشته که نتیجه عکس نیز داده است (برای نمونه: لیونگ و دیگران، ۲۰۱۹؛ کان و دیگران، ۲۰۱۷؛ سانتلی و دیگران، ۲۰۱۹؛ اپوته، استفن و جیمنز، ۲۰۱۲؛ چنگ و چو، ۲۰۰۹؛ رکتور، جانسون و نوپز، ۲۰۰۳).

در فرهنگ لیبرالیسمی غرب، امروزه کانون خوشی‌ها و کامیابی‌های جنسی از محیط خانواده به محیط جامعه حال انتقال است. خیابان‌ها، مغازه‌ها، محیط‌های اداری، باشگاه‌ها، تفرجگاه‌های عمومی و همه‌جا، آماده انواع کامیابی‌های جنسی نظری، لمسی و مانند آن بوده و این فرهنگ را از راه‌های مختلفی مانند سینما، بازی‌های رایانه‌ای و فضای مجازی به دیگر کشورها انتقال می‌دهند. این طرز نگاه غرب ناشی از همان سه اصل گذشته است که همه آزادند و نیاز دارند تا از استعدادهای خود در هر مکان و زمان و به هر اندازه که مایل اند استفاده کنند و ممانعت از آن، باعث تشدید این غریزه شده و نتیجه عکس دارد، اما اسلام اصرار فراوانی بر خانواده به‌عنوان تنها کانون کام‌جویی جنسی دارد. فلسفه و جوب حجاب، حرمت چشم‌چرانی، خودآرایی زنان برای افراد بیگانه در همین راستا است (مطهری، ۱۳۹۵).

نقد راهبردهای لیبرالیسمی در آموزش جنسی

بیش از پنج دهه است که برنامه‌های گوناگون آموزش جنسی در مدارس کشورهای غربی اجرا می‌شود؛ برای نمونه، برنامه «آموزش جنسی»^۱ از سال ۱۹۶۸، در شمار درس‌های اصلی مدارس آلمان قرار گرفت. دانش‌آموزان در این درس، از ۱۴ سالگی با روابط و مسائل جنسی آشنا می‌شوند و نسبت به احساس ارزش‌ها، توانایی تصمیم‌گیری اخلاقی و یادگیری اصطلاحات از جنبه جنسی، تعلیم می‌بینند. در سنین مختلف این کار به صورت‌های متفاوت آموزش داده می‌شود، تا جایی که در سنین بالا، دانش‌آموزان (دختر و پسر) باید عمل آمیزش را به‌صورت اشاره‌ای در کلاس انجام دهند. این‌گونه آموزش‌ها بیشتر جنبه پزشکی و روان‌شناختی دارند و در ضمن آن سفارش‌هایی نیز دارند

.....
1. Sexuality Education.

که با سفارش‌های اخلاقی اسلام به هیچ وجه قابل مقایسه نیستند؛ اگر هم سفارش‌های اخلاقی داشته باشند از پشتیبانی حقوقی برخوردار نیستند (والدمن، ۱۳۸۴).

به طور کلی در کشورهای غربی، سه نوع برنامه آموزشی جنسی در مدارس اجرا می‌شود:

۱. آموزش‌های مهار محور مبتنی بر برنامه‌های خویش‌داری جنسی که بر پرهیز و خودداری از فعالیت‌های جنسی تا زمان ازدواج (AOUM)^۱ متمرکزند؛

۲. آموزش‌های سلامت محور مبتنی بر پیشگیری از عوارض آمیزشی که بر استفاده از ابزارهای پیشگیری از بارداری یا بیماری‌های مقاربتی؛

۳. آموزش جامع جنسی (CSE)^۲ که در ضمن آن به شکلی صریح، واضح و روشن مسائل جنسی و حتی عمل جنسی آموزش داده می‌شود (بالکلی، هنسی، فیشمین، ۲۰۰۶^۳).

هرچند امروزه برنامه‌های آموزشی جنسی در غرب با رویکرد لیبرال تحت عنوان «اقدام جهانی آموزش برای توسعه پایدار» انجام می‌گیرد، اما رویکردهایی نیز هستند که راهبردهای آموزشی مهار محور و برنامه‌های تربیتی فقط خویش‌داری (AOE)^۴ را دنبال می‌کنند و از بازگشت غرب به عفاف سخن به میان می‌آورند. این نوع رویکردها با خاستگاه مذهبی خود، از خودداری کامل رابطه جنسی خارج از ازدواج، از جمله خود ارضایی حمایت می‌کنند. خویش‌داری از نظر اخلاقی مورد توجه قرار می‌گیرد و مفاهیم پاک‌دامنی (بکارت) و عفاف برجسته می‌شوند. از نظر آنان، رابطه زناشویی بر مبنای وفاداری طرفین از طریق ازدواج تنها استاندارد مورد انتظار در فعالیت جنسی انسان است (یونسکو، ۲۰۰۹^۵؛ لیونگ^۶ و دیگران، ۲۰۱۹). این رویکرد با اقدامات ترویجی خود در قالب برنامه‌های مختلف از جمله موسوم به «عهد پاک‌دامنی»^۷ و «بهترین دوست»^۸ به آموزش‌های خویش‌داری پرداختند. البته نوع دیگری از این رویکردها، نه بر مراقبت‌های اخلاقی که بر مراقبت‌های بهداشتی و سلامتی در کنار خودداری رفتاری، تأکید داشته‌اند و تنها شامل رفتارهایی مانند تأخیر در رابطه جنسی و پرهیز

1. Abstinence-only-until-marriage.
2. Comprehensive sex education.
3. Bleakley, Hennessy & Fishmeim.
4. Abstinence-only education.
5. UNESCO.
6. Leung.
7. Virginity Pledge.
8. Best Friend.

از عمل جنسی مقاربتی بوده و رفتارهایی مانند تماس بدنی، بوسه، رابطه جنسی دهانی و مقعدی و خودارضایی را شامل نمی‌شود (کوهرلر، منهرت و لیفرتی،^۱ ۲۰۰۸).

رویکرد آموزش جامع جنسی (CSE)، به نحوی درصدد اجرای آموزشی توسعه‌یافته است که نه به پایه‌های اخلاقی و نه فقط به پایه‌های بهداشتی استوار باشد، بلکه مبتنی بر طیف وسیعی از اطلاعات و دادن آگاهی کامل و مهارت‌افزایی در جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های مقاربتی و بارداری زودهنگام است و اهمیت تمرین‌های ایمن جنسی را برجسته می‌کند. این رویکرد به آموزش در مورد همه موارد مربوط به مسائل جنسی و بیان آن اشاره دارد و افزون بر آن موضوعاتی از قبیل روابط، نگرش به رابطه جنسی، نقش‌های جنسی، روابط جنسی و فشارهای اجتماعی برای فعالیت جنسی را هم شامل می‌شود و اطلاعاتی در مورد خدمات بهداشت جنسی و تولیدمثل نیز ارائه می‌دهد. هم‌چنین شامل آموزش مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری آگاهانه نیز هست. طرفداران این راهبرد بر کاهش آسیب‌ها اصرار دارند و ضمن تأکید بر کنترل رفتارهای پرخطر جنسی بر کاهش آسیب‌های این‌گونه رفتارها سرمایه‌گذاری می‌کنند. آن‌ها معتقدند درصد فراوانی از نوجوانان و جوانانی که تصمیم بر مهار روابط جنسی نامشروع دارند، نمی‌توانند در حفظ کامل خویشتن‌داری موفق شوند. هدف این راهبرد حذف روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج نیست. از این رو برای پیش‌گیری از پیامدهای منفی آن توصیه می‌شود از وسایل پیش‌گیری و بهداشتی استفاده شود. البته آموزش‌های جامع جنسی در کنار ارائه اطلاعات کالبدشناسی^۲ دستگاه تناسلی و کاراندازشناسی^۳ آن، و پروس ایدز و عفونت‌های مقاربتی و نیز گرایش‌های جنسی، بارداری و عمل جنسی، شامل خویشتن‌داری جنسی نیز می‌شود (لیونگ و دیگران، ۲۰۱۹؛ عباسی، ۱۳۹۶).

با وجود فراز و فرودهای نتایج تحقیقات در اثربخشی و یا کم‌اثربخشی این راهبردها و برنامه‌ها، از جمله پژوهش‌هایی مثل کوهرلر، منهرت و لیفرتی (۲۰۰۸) که اظهار کرده‌اند مطالعه آن‌ها پیرامون آموزش جامع جنسی معنادار بوده است؛ بر اساس تحقیقات و گزارش‌های رسانه‌های غربی، این آموزش‌ها نه تنها موجب کاهش رفتارهای پرخطر جنسی نشده، بلکه بالعکس، خود به یکی از عوامل افزایش روابط نامشروع و پرخطر، تبدیل گشته است. لیونگ و دیگران (۲۰۱۹) در یک بررسی جامع در مورد برنامه‌های آموزش جنسی مبتنی بر شواهد در کشورهای توسعه‌یافته غربی انگلیسی‌زبان (آمریکا و انگلیس) و کشورهای چینی تبار (چین، هنگ‌کنگ و تایوان)، به ناکارآمدی برنامه‌های آموزشی در این مناطق دست یافته و اذعان داشته‌اند با وجود این که هدف از آموزش جنسی، کاهش رفتارهای پرخطر جنسی، بارداری و بیماری‌های عفونی مقاربتی است،

1. Kohler, Manhart & Lafferty.

2. Anatomy.

3. Physiology.

این موارد، در این کشورها به خصوص آمریکا نسبت به دیگر کشورها افزایش داشته و از آمار بیشتری برخوردار است. بیلی و ولف،^۱ (۲۰۱۴) و هال و دیگران (۲۰۱۶) نیز یافته‌های مشابهی را ارائه داده‌اند. وبگاه رسمی روزنامه ایندپندنت^۲ در ۴ فوریه ۲۰۱۹ در مقاله‌ای اظهار کرده: «آموزش جنسی، بارداری نوجوانان را در آمریکا افزایش داده است» و می‌نویسد: «در یک پژوهش برای پیدا کردن رابطه بین بودجه‌ای که دولت به آموزش جنسی اختصاص می‌دهد و نرخ بارداری جوانان، محققان نرخ باروری زنان ۱۵ تا ۱۹ ساله را از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۶ بررسی کردند و نتایج نشان داد آموزش جنسی در کاهش بارداری نوجوانان بی‌تأثیر بوده است». گزارش نشر یافته در مجله بهداشت عمومی آمریکا نیز این نتیجه را تأیید می‌کند. محققان دیگری نیز دریافته‌اند آموزش جنسی به افزایش حاملگی در نوجوانان منجر شده است.

از این رو، هیچ‌کدام از رویکردهای غربی اغلب لیبرالیسمی غربی، به موفقیت مطلوب نرسیده است. اشتباه فرهنگ غرب در اینجاست که با آزادی روابط و فراهم بودن تمام ابزارهای بصری، سمعی و لمسی، زمینه‌های تهییج و تحریک‌پذیری جنسی را در افراد فراهم آورده، آنگاه از او می‌خواهد خودداری یا کنترل کند و انتظار دارد از روی اطلاعات و آموزش‌های جامع، بتواند خودش را از رفتارهای پرخطر جنسی مصون بدارد. همان‌گونه که ممنوعیت کلی از غریزه باعث اختلال می‌گردد، تهییج و تحریک بیش‌ازحد متعادل‌گر نیز باعث شعله‌ور گشتن و عدم امکان ارضای آن و خروج از تعادل و بروز اضطراب می‌شود (مطهری، ۱۳۹۱).

این چالش‌ها با وجود رواج فرهنگ لیبرالیسمی غربی در چنین کشورهایی مطرح می‌شود که در آن کودکان و نوجوانان در محیط‌هایی - در درون خانه و بیرون از آن - با بافت جنسی بدون ملاحظه یا با ملاحظه اندک بزرگ می‌شوند؛ چه رسد به فرهنگ‌های غیر آن، از جمله فرهنگ‌های اسلامی که بافت این چنینی در آن حاکم نیست و به‌طور طبیعی نیازهای آموزشی کمتری را در زمینه جنسی می‌طلبد. گفتنی است نظام‌های آموزشی باید مسئله‌مدار و نیازمحورانه باشند و همواره به نیازهای دانش‌آموزان توجه داشته باشند که آنان اکنون در چه وضعیتی از نیازمندی‌های اطلاعات جنسی قرار دارند و طبق آن برنامه‌ریزی کنند. بدیهی است فرهنگ‌های سنتی و مذهبی با برانگیختگی کمتری نسبت به فرهنگ‌های لیبرال غربی مواجه هستند؛ هرچند امروزه با وجود رشد سریع فناوری و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطات جمعی فضای مجازی، این نیازمندی‌ها بیشتر شده و دانش‌آموزان بیش از گذشته به اطلاعات جنسی و تحریک‌کننده دسترسی پیدا می‌کنند.

بنابراین، دامن زدن به برنامه‌های لیبرالیسمی آموزش جنسی که امروزه اغلب در قالب آموزش جامع جنسی مطرح می‌شود، با توجه به مفهوم و پیشینه آن در این رویکردها، هرگز به صلاح کودکان، نوجوانان و جوانان در

1. Bailey & Wolf.

2. Independent.

نظام‌های آموزشی و پرورشی اسلامی نخواهد بود. این‌گونه برنامه‌ها که اغلب باهدف کاهش میزان بارداری‌ها زودرس و بیماری‌های مقاربتی انجام می‌گیرند، نتیجه‌ای جز ترویج مسائل جنسی در جامعه و تحریک جنسی زود هنگام کودکان و نوجوانان و دور ماندن آن‌ها از اخلاق و تربیت ندارد. از این‌رو، ضمن تأکید بر جایگاه و نقش آموزش و تربیت جنسی بهنگام، متناسب با جنسیت، سن، شرایط و ویژگی‌های فردی و با در نظر داشتن مرزهای حیا و عفاف، خویشتن‌داری جنسی و کرامت نفس در سلامت جنسی جامعه، باید با تکیه بر آموزه‌های غنی اسلامی و با توجه به اهداف و راهبردهای «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، الگوهای متناسب‌تری برای آموزش و تربیت جنسی ارائه گردد.

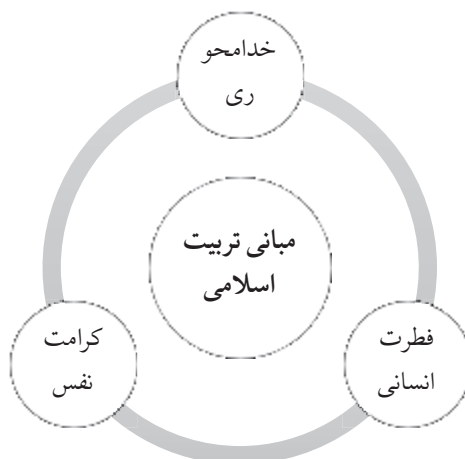
مبانی و راهبردهای اسلامی در تربیت و آموزش جنسی

از مهم‌ترین تفاوت‌های دیدگاه‌های اسلامی و لیبرالیسمی در زمینه آموزش جنسی، توجه به رویکرد پرورشی و کمال‌محور در این آموزش‌هاست. یعنی وجود سازوکارهای تربیتی که اگر آموزشی هم در آن داده می‌شود در جهت رشد و کمال و بالندگی فرد و فراهم‌کننده خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی او باشد. به همین دلیل صاحب‌نظران اسلامی به جنبه رشد و تربیتی بیش از جنبه آموزشی آن توجه کرده‌اند و از این لحاظ بیش از آن‌که از اصطلاح «آموزش جنسی» سخن بگویند، از اصطلاح «تربیت جنسی» سخن به میان می‌آورند. هرچند سازوکارهای تربیتی و مهارت‌افزا در رویکردهای غربی نیز به چشم می‌خورد، اما در راهبردهای آن‌ها بیش از همه سازوکارهای آموزشی و آگاهی‌بخش در جهت کاهش بارداری‌ها و بیماری‌های مقاربتی و از این قبیل موارد، غلبه دارد و به همین جهت بیشتر از «آموزش جنسی» سخن می‌گویند. از همین‌رو، در آموزش‌های جنسی خود پیش از موعد، به آموزش شیوه برقراری رابطه جنسی و انجام عمل جنسی دختر و پسر نیز می‌پردازند.

در تربیت جنسی اسلامی، یک همسویی و درهم‌تنیدگی با ساحت‌ها و ابعاد دیگر از جمله رشد اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی دیده می‌شود. تربیت جنسی در راستای تسهیل و تحقق ساحت‌های دیگر اتفاق می‌افتد و همواره در جهت دستیابی به اهداف نهایی رشد و تربیت است. هدف نهایی تربیت جنسی این است که انسان رشد و شکوفایی انسانی و معنوی خویش را بازیابد و در عین حال سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی‌اش شده تأمین و به قرب الهی نائل آید. به همین جهت درصدد است تا بستر مناسبی برای رشد طبیعی و سالم جنسی افراد فراهم گردد؛ به گونه‌ای که فرد هویت جنسی خود را بازیابد، آن را به خوبی بپذیرد و نقش‌های جنسیتی متناسبی را ایفا کند. انسان به توانایی دست یابد که مواجهه مناسبی با تمایلات جنسی‌اش داشته باشد و بتواند آن را مدیریت و در جهت مناسبی هدایتش کند. با حفظ پاک‌دامنی و مصونیت از کج‌روی و نابهنجاری، به نیازهای جنسی خود از طریق ازدواج پاسخ متعادل بدهد. میل جنسی را یک نعمت الهی بداند و از آن در جهت بقا و حفظ نسل، لذت و صفای

زندگی^۱ و ایجاد زمینه انس و صمیمیت هرچه بیشتر در روابط زناشویی استفاده بهینه کند.

نظام تربیت جنسی در رویکرد اسلامی بر اساس پایه‌هایی استوار است. در این میان، سه اصل خدامحوری، فطرت انسانی و کرامت نفس از بیشترین اهمیت برخوردارند. اولین و مهم‌ترین تفاوت میان مبانی تربیت اسلامی و لیبرالیسمی در «خدامحور» بودن، تربیت اسلامی است نه انسان‌محور بودن آن (طاهریان و دیگران، ۱۳۹۲). در مبنای لیبرالیسمی، انسان و خواسته‌های او محور حق بودن شمرده می‌شود، اما بر مبنای اسلامی، پلیدی و پاکی یک رفتار با خواست مردم و اکثریت سنجیده نمی‌شود (مانده: ۱۰۰) و چه بسا خواست و میل اکثریت رو به پلیدی و تباهی باشد و این‌گونه نیست که حقیقت با تبعیت از خواست مردم تغییر کند (مؤمنون: ۷۱)؛ به عبارتی دیگر، در بسیاری از موارد، پاکی و پلیدی اشیا در شمار صفات ذاتی و حقیقی هستند که با میل و خواست اکثریت تغییر نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷). جالب اینکه در سرای آخرت با وجود اینکه تکلیف برچیده می‌شود، اما حکم عفاف و عدم ولنگاری همچنان مراعات می‌شود (رحمان: ۵۶) که حاکی از ذاتی بودن برخی اوصاف اخلاقی دارد و نشان می‌دهد که رابطه جنسی با شخص عقیف، مورد پسند و تمایل درونی انسان است.



شکل (۱): مهم‌ترین مبانی سه‌گانه تربیت جنسی در رویکرد اسلامی

۱. فیض کاشانی لذت و صفای زندگی که از طریق رابطه جنسی سالم و متعادل به دست می‌آید را چنین تشبیه می‌آورد: «لذت و صفای خانوادگی یادآور لذت‌های بهشتی است و می‌توان این را نمونه‌ای از آن دانست» (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۹۸) و در جای دیگر مطرح می‌کند که «آمیزش جنسی برترین و قوی‌ترین لذت بدنی و نمونه‌ای از لذت بهشتی است» (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵). برخی فکر می‌کنند دین با لذت‌جویی منافات دارد، درحالی‌که خداوند می‌خواهد انسان از طریق لذت‌های سالم و مشروع به آرامش و آسایش دست یابد و به‌طور طبیعی، لذت‌جویی یکی از پایه‌های نظام انگیزشی انسان است که در خوردنی‌ها و مانند آن که برای بقا لازم‌اند، نیز وجود دارد.

دومین مبنای اسلامی تربیت جنسی، مبتنی بودن آن بر «فطرت انسانی» است و از آنجاکه طبق آموزه‌های اسلامی، انسان دارای فطرت است (روم: ۳۰)؛ لذا باید تربیت جنسی در جهت شکوفایی این فطرت قرار بگیرد. فطرت انسان نیز مبتنی بر کیفیت و ویژگی خاص خلقت آدمی و دارا بودن او به استعداد ترقی و رشد و تکامل اوست که سعادت او در رسیدن به آن است و هرچه او را در این مسیر کمک کند، مقبول و بهنجار بوده و هر چه او را از این مسیر بازدارد، مردود و نابهنجار خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷). خداوند تنها کسی است که بی‌کم‌وکاست، نسبت به انسان و ویژگی‌های او و راه رسیدن به تکامل و همه رفتارهای کمک‌کننده و بازدارنده او در این مسیر، آگاهی داشته (ملک: ۱۴؛ طه: ۵۰؛ اعلیٰ: ۳؛ عبس: ۲۰) و تمامی احکام او دایرمدار این حکمت است (اعراف: ۱۵۷). از این رو، انسانی که دارای فطرتی خاص است، بی‌گمان شیوه‌های تربیتی و آموزش جنسی او نیز باید با در نظر گرفتن همان فطرت صورت گیرد و با آن تطابق داشته باشد (مطهری، ۱۳۹۸ و احمدی، ۱۳۸۷).

آموزش‌های جنسی باید عقیفانه باشد تا بتواند «عفت» را در فطرت انسان بیدار نگه دارد و عفت‌ورزی را پرورش دهد. اساساً عفت و حجب و حیا از فطریات بشری است و فحشا و بی‌حیایی برخلاف فطرت است. حتی در نهاد انسان، عشق به عفت و حیا قرار داده شده است و به‌طور فطری از فحشا و بی‌حیایی نیز تنفر دارد (خمینی، ۱۳۸۷). اگر فطرت انسان رشد و شکوفا گردد، غریزه را کنترل و رهبری می‌کند و مانع عملکرد تکانشی آن می‌شود. وقتی جاذبه‌های جنسی و نیروهای شهوانی و غریزی از افسارگسیختگی، تحت کنترل انسان در می‌آید و آدمی با استفاده از عقل و شرع و نیروهای فطری و الهی از حد افراط و تفریط و از تحت تصرف شیطان و نفس اماره خارج می‌شود، یک حالت سکونت، آرامش و طمأنینه‌ای و یک ملکه اعتدال و میانه‌روی در او پدیدار می‌شود، که آن نیرو و قوه‌ای که رنگ و بوی عقلی و الهی پیدا می‌کند را «عفت» می‌گویند (خمینی، ۱۳۸۷).

سومین اصل و مبنای مهم، «کرامت نفس» است. انسان از نظر اسلام موجودی شریف و با ارزش است. انسان قرار است روی زمین، جانشینی خداوند را داشته باشد (بقره: ۳۰) و به همین دلیل خداوند انسان را «تکریم» کرده و عزیز می‌شمارد (اسراء: ۷۰). انسان در میان سایر موجودات ویژگی‌ای دارد که در سایرین نیست و آن داشتن عقل است و این ویژگی باعث شرافت انسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷). بنابراین هر آنچه منطبق بر عقل سلیم نبوده و برخلاف کرامت انسانی باشد، نباید در سازوکارهای تربیت جنسی راهی داشته باشد. کرامت انسان نه تنها به منزله یکی از حقوق اصلی و غیرقابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای حقوق بشر و آزادی انسان تلقی می‌شود و با خواست و میل اشخاص و یا اکثریت قابل‌تغییر نیست (فروغی‌نیا، ملک و حسینی، ۱۳۹۸). آزادی انسان، نعمتی است خدادادی تا به پاس کرامت او بتواند در مسیر فطرت خود ترقی کرده و به تکامل برسد (جوادی آملی، ۱۳۹۵) و این آزادی تا زمانی ارزش دارد که بر پایه این مبنا و اصل استوار بوده و او را از مسیر فطری خود دور نسازد.

شخص‌عنفیف به ارتباطات گسترده انسانی بر مبنای شأن و کرامت انسانی^۱ توجه دارد. وقتی بینش انسان‌ها در ارتباط با خود و دیگران بر اساس کرامت شکل گرفت، آنگاه برای شهوت‌رانی و هوا و هوس جایی نخواهد ماند؛ چنان‌که حضرت علی(ع) می‌فرماید: «آن‌کس که واجد بزرگواری و کرامت نفس باشد، تمایلات شهوانی‌اش در نظر او خوار می‌آید» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۵). به اعتقاد جرج کاتب^۲ (۲۰۱۰) منظور از توجه به بزرگی و کرامت انسانی، به معنای توجه به هویت انسان و وجود معنوی و روحانی اوست؛ همان چیزی که آموزه‌های اسلامی از آن به وجودی با جایگاه بلندمرتبه خلیفه‌اللهی یاد می‌کند (علم‌الهدی و نوروزی، ۱۳۹۵). در حقیقت این مفهوم برآمده از خوداحترامی^۳ است؛ یعنی کسی که برای خود در نظر دیگران احترام قائل می‌شود. آدم هرزه چون از شخصیت و موقعیت خوبی برخوردار نیست، به ورطه خفت و پستی افتادش نیز برایش مهم نیست؛ اما آدم با شخصیت و وقار از انجام هر کار هرزه‌ای شرم و حیا دارد. میوه شرم و حیا، سنگینی و وقار است و سنگینی و متانت در وجود انسان نیز از خیانت و گرایش‌های نابهنجار جنسی محافظت می‌کند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵ و ۱۷).

راهبردهای تربیت جنسی بر اساس سه مبنای اسلامی

راهبردها و برنامه‌های تربیت و سلامت جنسی در دیدگاه اسلامی بر مبنای سه اصل فوق استوارند. آگاهی‌بخشی و آموزش یکی از مصادیق مهم کرامت است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۲)، اما آگاهی و دانشی که فرد را در مسیر انسانیت، آزادگی و تسلط بر خویشتن و هم‌چنین رشد و تکامل و سعادت کمک کند، نه اینکه او را به اسارت نفس و شهوت، بدآموزی، انحراف و طغیان بکشاند. آگاهی‌بخشی در سازوکارهای لیبرالیسمی، افراد را زود هنگام با راه‌های مختلف ارضای جنسی آگاه ساخته و راه کج‌روی را بر ایشان هموار می‌سازد. آموزش‌های جنسی در این‌گونه نظام‌ها در عمل، روح یأس و ناتوانی از امکان عفت و رزی و پاک‌دامنی را به کالبد اندیشه‌کودکان و نوجوانان می‌دمند؛ برای مثال می‌گویند: «نوجوان و جوان که نمی‌تواند بر تحریک‌های جنسی خود غلبه کند؛ پس یا خود ارضایی کند و یا با ابزار پیشگیری به رابطه جنسی بپردازد تا دچار بارداری زود هنگام و بیماری‌های مقاربتی نگردد!». از همین جهت است که روزه‌روز با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در عرصه آموزش، انحرافات و مشکلات جنسی بیشتری در غرب گزارش می‌شود.

آموزش با محوریت خدا، فطرت و کرامت انسانی، آن آموزشی است که می‌تواند در عین رشد سالم و متعادل جنسینگی، به احساس توانمندی و خودکارآمدی در تنظیم و مدیریت رفتار جنسی و هدایت آن در مسیر طبیعی پاسخ

1. Human dignity.
2. Kateb.
3. Self-respectability.

جنسی کمک کند. خدامحوری در کنار شکوفایی فطرت و کرامت انسان، می‌تواند با تشکیل یک نظام نگرشی و تحقق عملیاتی سازه‌های معنوی و روان‌شناختی خاص، نقش مؤثری در مدیریت و مهار خویشتن داشته باشد. وقتی انسان جایگاه خود را شناخت، مالک خویشتن می‌شود و فعالانه دست به هر کاری نمی‌زند؛ کنترل امیال و غرایز تحت اختیارش قرار می‌گیرد؛ و همه نابهنجاری‌ها و پلیدی‌ها در چشمش خوار و حقیر می‌نماید (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۸۳؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۶، ۲۳۱ و ۲۳۹). فرد گنه‌کار ابتدا خود را کوچک و خوار می‌کند، سپس خود را به گناه می‌آلاید (مظاهری، ۱۳۸۸). پژوهش‌های بسیاری از جمله (ارسلان، ۲۰۰۹^۱)، هافر، باخ و کارتر^۲ (۲۰۱۱) و رفیعی‌هنر و آینه‌چی (۱۳۹۴) رابطه مثبت و معنادار حرمت خود با خودمهارگری را نشان داده‌اند. رحیمی، میردریکوندی و نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که سازه‌های خدا آگاهی، خود آگاهی و حرمت خود، در یک نظام پیچیده و ارتباط چندگانه‌ای به خودمهارگری می‌انجامند. بدین‌صورت که آگاهی و توجه به خداوند سبب می‌شود که انسان به خود و جایگاهش در نظام هستی توجه و آگاهی پیدا کند (حشر: ۱۹) و در نتیجه ارزش و مقام اصیل و راستین خود را بازیافته و به کرامت و شرافت خود پی می‌برد. کسی که منزلت و شأن خود را به درستی یافته باشد، خودش را به هر پلیدی یا لغزشی نمی‌افکند (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۵). در چنین نظام فکری و انگیزشی، فرد کش‌های رفتاری خود را به نوعی خاص (با جهت‌گیری الهی، فطری و کریمانه) سازمان‌دهی می‌کند؛ از هر چه رنگ تعلق پذیرد خود را می‌رهاند و رنگ خدایی به آن می‌بخشد (بقره: ۱۳۸).

پژوهش‌های رو به افزایش نشان می‌دهند عموم افراد و به‌ویژه نوجوانان و جوانانی که در معرض فعالیت‌های مذهبی و معنوی قرار دارند، از یک ظرفیت بازدارندگی بالقوه در مقابل نابهنجاری‌های جنسی برخوردارند. برای مثال رگنروس و یوکر^۳ (۲۰۱۱) دریافتند که پایین‌ترین میزان فعالیت جنسی در بین نوجوانی است که درگیر فعالیت‌های مذهبی سازمان‌یافته هستند. کاگیمو^۴ و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند جوانان مسلمانی که پایبندی بیشتری به نماز دارند، کمتر در روابط جنسی پیش از ازدواج وارد می‌شوند و در ازدواج وفادارترند. مپوتو^۵ و همکاران (۲۰۱۳) نیز دریافتند که تمایل به پایبندی به آموزه‌های مسیح در مورد پاک‌دامنی، انگیزه اصلی جوانان مسیحی برای خویشتن‌داری بوده است. کلسون^۶ (۲۰۰۳) نقش پایبندی مذهبی را در بازداری جنسی بااهمیت می‌داند و معتقد است، نوجوانان باید بیاموزند که آن‌ها برگزیدگان خدا هستند و باید او را ستایش کنند و از نعمت‌هایش به‌درستی

1. Arslan.

2. Hofer, Busch & Kartner.

3. Regnerus & Uecker.

4. Kagimu.

5. Mbotho.

6. Colson.

لذت ببرند. به‌طورکلی، تقویت ارزش‌ها و باورهای فردی و موضوعات اخلاقی و مذهبی در حفاظت نوجوانان و جوانان در برابر روابط پیش از ازدواج، بیشترین تأثیر را دارد و آن‌ها به‌گونه‌ای عقلانی بین قوانین اخلاقی و روابط با جنس مخالف رابطه برقرار می‌کنند (زارعی، ۱۳۸۹). گیبیر و بامیستر^۱ (۲۰۰۵) قدرت دین در پرورش و تقویت رفتارهای فضیلت‌نمای اخلاقی را بررسی کردند. طبق یافته‌های این پژوهشگران، شیوه‌هایی که دین به تسهیل عناصر مدیریت و خودمهارگری می‌پردازد عبارت‌اند از: ۱. ارائه معیارهای روشن؛ ۲. ایجاد انگیزش برای رفتار اخلاقی؛ ۳. نظارت‌گری بر رفتار؛ ۴. مدیریت تمایلات ناشایست؛ ۵. مهار و تنظیم هیجانات. از این‌رو تربیت جنسی باید یک توانایی در مدیریت فعال رفتار جنسی، تسلط و مالکیت امیال و خواسته‌ها بینجامد؛ همان‌قدری که در متون اسلامی از آن یاد می‌شود (خمینی، ۱۳۸۵). نمونه بارز این نوع عفت ورزی که با مصونیت از انحراف همراه است، در یوسف پیامبر (ع) آنگاه‌که در دام شهوت همسر عزیز مصر گرفتار شد، دیده می‌شود. زلیخا به او میل کرد و اگر یوسف (ع) برهان پروردگارش را نمی‌دید، او نیز به آن زن میل پیدا می‌کرد (یوسف: ۲۴). طبق آیه ۲۳ یوسف این برهان متشکل از سه بخش خدامحوری «إِنَّهُ رَبِّي؛ همانا او پروردگار من است»، تکریم و کرامت «أَحْسَنَ مَثْوَى؛ او (پروردگارم) جایگاه مرا گرامی و نیکو داشته» و پیروی از حکم فطری «إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ؛ بی‌گمان، ظالمان رستگار نمی‌شوند» بود. برآیند چنین نظام تربیتی این است که نه‌تنها انسان به انحراف گرایش پیدا نمی‌کند، بلکه گناه و انحراف اجازه نمی‌یابد به سراغ او رود؛ به همین دلیل است که در ادامه در آیه ۲۴ خداوند می‌فرماید: «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ؛ این‌گونه، بدی و پلیدی را از او برگردانیم» و نفرموده «لِنَصْرِفَهُ عَنِ السُّوءِ وَالْفَحْشَاءَ؛ ما او را از گناه بازداشتیم» (جوادی آملی، ۱۳۹۵). در چنین تربیتی است که انسان به قدرت وطمأنینه‌ای دست می‌یابد که تحت تأثیر نیروهای غریزی و تحریکات و فشارهای بیرونی قرار نمی‌گیرد (یونس: ۶۲)، بلکه بالاتر از آن، پلیدی از او دور می‌شود (یوسف: ۲۴). این مرحله، بالاترین حد عفت ورزی است که برخاسته از رشد یافتگی متعالی شخص است.

بنابراین، راهبرد اسلامی در تربیت جنسی، مبتنی بر سرکوب، بازداری و فرار (راهبرد سلبی و انفعالی) نیست؛ بلکه مبتنی بر راهبرد ایجابی و مثبت، یعنی «مصون‌سازی» است که بر تهذیب، پرورش، و توانمندسازی استوار است (ر.ک: نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۸). پایه تربیت جنسی تقویت خداباوری و خدا آگاهی، جایگاه‌شناسی و حرمت خود، خودآگاهی و هویت‌یابی انسان با توجه به توحید و فطرت اوست، تا شخص به چنان بینش و نگرشی از خود نائل آید و در نتیجه مالک تمایلات و غرایز خود گشته و با مدیریت فعال از گزند هر نوع آسیب و انحراف در امان و مصون بماند. ریشه اخلاق جنسی در اسلام، بر پایه پرورش فطری و الهی اشخاص و مبتنی بر کرامت او استوار است، نه بر پایه پروراندن امیال غریزی در مسیر ذلالت و فرومایگی. از نظر اسلامی، غریزه جنسی چون برای

1. Geyer & Baumeister.

هدف مقدسی در انسان نهادینه شده، اگر به صورت صحیح و عقیفانه به آن پاسخ داده شود، فطرت پسند و درخور نورانیت است و همه موارد تقبیح این گزینه مربوط به آن صورتی است که انسان اسیر تمایلات خودگشته و از مسیر فطرت و کرامت خارج شده باشد و دستور به کف نفس و خویشتن‌داری نیز به این موارد مربوط است (مطهری، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲). بنابراین، اساس راهبرد اسلامی بر هشیاری و مراقبت از خویشتن و حفظ پاکی و معصومیت فطری از یک سو و افزایش خودکارآمدی در مصون داشتن خویشتن از نزدیک شدن به گناه و انحراف، از سوی دیگر است. در این صورت، فرد در مقابله با تمایلات شهوانی خود را توانمند ارزیابی می‌کند و در صورت تحریک و برانگیختگی جنسی می‌تواند از طریق به کار بستن راهکارها و شیوه‌ها و فنون خویشتن‌داری خداسو، آن را مهار کند.

نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های جدی در حوزه زیست جنسی که با بی‌قیدوبندی در اخلاق و رفتار جنسی همراه است، مسئله لیبرالیسم جنسی است که نوعی جهان‌بینی و نگرشی که به دنبال داشتن آزادی و لذت‌جویی و رفتار جنسی منهای خدا و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی است. آموزش‌های جنسی شکل یافته بر مبنای لیبرالیسم، راهبردهایی را پیش می‌گیرند که بر اساس استقلال انسان و بی‌نیازی او از خداوند، اصالت بخشیدن به آزادی‌های فردی و انکار اصول و ارزش‌های ذاتی و ثابت اخلاقی، مادی‌گرایی، اصالت لذت‌جویی، آزادی جنسی و عدم محدودیت در ارضای نیازهای جنسی باشد.

وقتی که اومانیزم سکولار و اصالت بشر از تفکرات و فلسفه غالب این رویکرد باشد، دیگر جایگاهی برای ارزش‌های اخلاقی و الهی در چگونگی رفتار جنسی انسان نمی‌ماند، درحالی‌که مبانی اخلاق جنسی در اسلام بر اساس توحیدمحوری است. هدف از رفتارهای انسانی نه فقط برای لذت‌جویی، بلکه با هدف بندگی خداست (ذاریات: ۵۶). برخلاف مبانی لیبرالیسم که رفتار جنسی مبتنی بر لذت‌جویی صرف و بر اساس اخلاق جنسی وابسته به «عرف حاکم بر جامعه» یا «عرف عمومی» است، از نگاه اسلامی، انسان در لذت‌جویی خود، دارای چارچوب با ارزش‌گذاری اخلاقی ثابت است (مؤمنون: ۶-۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۲۲). در فرهنگ لیبرالیسمی غرب، کانون کامیابی‌های جنسی از محیط خانواده به محیط جامعه در حال انتقال است، اما اسلام بر خانواده به‌عنوان تنها کانون کام‌جویی جنسی تأکید دارد؛ زیرا این انتقال بر بی‌بندوباری‌ها و هرج‌ومرج جنسی دامن می‌زند، فساد و انحراف‌ها در سطح جامعه گسترش یابد و روزی می‌رسد که اصلاً خانواده‌ای به آن معنا نماند.

به‌طورکلی، سیر تطور راهبردهای غرب درباره مسئله جنسی چهار مرحله دارد: ۱. مرحله سنتی - مذهبی (اخلاق‌محور)؛ ۲. انقلاب جنسی (آزادی‌محور)؛ ۳. روابط جنسی ایمن (بهداشت‌محور)؛ ۴. جنبش‌هایی برای خویشتن‌داری (مهارمحور و آموزش‌محور).

امروزه لیبرالیسم جنسی در راهبردهای آموزشی به طرز مرموزی ریشه دوانده و به رویکرد غالب نظام آموزش جنسی فرهنگ‌های غربی، تبدیل شده است. بیش از پنج دهه است که برنامه‌های گوناگون آموزش جنسی در مدارس کشورهای غربی اجرا می‌شود؛ از جمله مهم‌ترین آن‌ها برنامه آموزش جامع جنسی (CSE) است که مبتنی بر طیف وسیعی از اطلاعات و ارائه آگاهی کامل جنسی است. بیشتر این آموزش‌ها اهمیت رابطه‌های ایمن جنسی را برجسته می‌کنند؛ زیرا به طور طبیعی نمی‌توانند در افراد، خودمهارگری لازم را ایجاد کنند. آن‌ها در یک تعارض آشکار گیر افتاده‌اند؛ از یک سو با مطالبه خانواده‌ها در خویشتن‌داری جنسی نوجوانان و جوانان‌شان مواجه‌اند و از سوی دیگر این امر نه با مبانی لیبرالیسمی و آزادی‌گرایی جنسی آن‌ها همخوانی دارد و نه در عمل زیرساخت‌های لازم فرهنگی و اجتماعی د.

هدف این راهبردها، اغلب حذف روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج نیست؛ بلکه هدف، کنترل بیماری‌های عفونی و بارداری است. به همین جهت، طرفداران این راهبردها با نگاهی ناامیدانه به عدم موفقیت نوجوانان و جوانان در خویشتن‌داری، به جای توان‌افزایی در جهت کنترل رفتارهای پرخطر جنسی، برای پیش‌گیری از پیامدهای منفی آن، توصیه به استفاده از وسایل پیش‌گیری و بهداشتی روابط جنسی می‌کنند. پژوهش‌هایی مانند تحقیقات لیونگ و دیگران (۲۰۱۹)، بیلی و ولف^۱ (۲۰۱۴)، هال و دیگران (۲۰۱۶)، زارعی توپخانه و چراغیان (۱۳۹۸)، و گزارش‌های رسانه‌های غربی (برای نمونه: وبگاه رسمی روزنامه ایندپندنت^۲ در ۴ فوریه ۲۰۱۹)، این آموزش‌ها نه تنها موجب کاهش رفتارهای پرخطر جنسی نشده، بلکه خود به‌عنوان یکی از عوامل افزایش روابط نامشروع و پرخطر گشته است، مؤید این مطلب است. بنابراین، هیچ‌کدام از راهبردهای غربی که عمدتاً مبتنی بر مبانی لیبرالیسمی‌اند، به موفقیت مطلوب نرسیده است.

مبتنی بودن تربیت جنسی بر خدامحوری و انطباق آن با فطرت انسانی و کرامت نفس آدمی، از جمله مهم‌ترین مبانی و اصول در نظام تربیت جنسی در رویکرد اسلامی است. این یافته مبتنی بر آیات و روایات متعدد و همسو با سند بالادستی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰) و هم‌چنین با پژوهش رهنما و همکاران (۱۳۸۶)، بهشتی (۱۳۹۴)، فقیهی (۱۳۹۸)، طاهریان و دیگران (۱۳۹۸)، طاهرپور و شرفی (۱۳۹۲)؛ فروغی‌نیا، ملک و حسینی، (۱۳۹۸)؛ نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۷ و ۱۳۸۸)؛ طاهرپور و همکاران (۱۳۹۲) و احمدی (۱۳۸۷) است.

آموزش جنسی با محوریت خدا، فطرت و کرامت انسانی، آن آموزشی است که می‌تواند در عین رشد سالم و متعادل جنسینگی، به خودکارآمدی و مدیریت رفتار جنسی و هدایت آن در مسیر طبیعی پاسخ جنسی کمک کند.

از مهم‌ترین تفاوت‌های دیدگاه‌های اسلامی و لیبرالیسمی در زمینه آموزش جنسی، توجه به رویکرد پرورشی،

1. Bailey & Wolf.

2. Independent.

سعادت‌نگر، کمال‌محور و توان‌افزا در این آموزش‌هاست. راهبردها و برنامه‌های تربیت و سلامت جنسی در دیدگاه اسلامی بر مبنای سه اصل فوق استوارند. آگاهی‌بخشی و آموزش یکی از مصادیق مهم کرامت است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۲). اما آگاهی و دانشی که فرد را در مسیر مدیریت رفتار و رشد و تکامل کمک کند، نه اینکه او را به بدآموزی، انحراف و طغیان بکشاند. تربیت جنسی خدامحور، در کنار شکوفایی فطرت و کرامت انسان، می‌تواند با تشکیل یک نظام خاص، به یک توانایی در مدیریت فعال رفتار جنسی، تسلط و مالکیت امیال و خواسته‌ها بینجامد، که در متون اسلامی از آن به عفت یاد می‌شود (خمینی، ۱۳۸۵). برآیند چنین نظام تربیتی این است که نه تنها انسان به انحراف گرایش پیدا نمی‌کند، بلکه گناه و انحراف اجازه نمی‌یابد به سراغ او برود (یوسف: ۲۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵). راهبرد اسلامی در تربیت جنسی، مبتنی بر سرکوب، بازداری و فرار (راهبرد سلبی و انفعالی) نیست، بلکه مبتنی بر مصون‌سازی (راهبرد ایجابی و مثبت) است که بر تهذیب و پرورش، و توانمندسازی استوار است. در نتیجه، چنین راهبردی می‌تواند بر خویش‌داری و توانایی خودمهارگری افراد افزود و در پیشگیری از رفتارهای جنسی نایمن موفق عمل کند؛ زیرا از اساس بر پاکی و مصونیت رفتاری پیش از آلودگی به انحرافات جنسی تأکید دارد. این راهبرد با فراهم ساختن خودمهارگری خداسو و پرهیزکاری فردی و اجتماعی، هم زمینه روابط عقیقانه و پاک ماندن در محیط را فراهم می‌کند و هم توانایی‌های لازم برای پاک ماندن را در افراد ایجاد می‌کند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- آذربایجانی، مسعود، (۱۳۹۸)، «نگاهی فلسفی به روش تحقیق در روانشناسی»، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۵، شماره ۹۸، ص ۱۰۵-۱۳۷.
- آریان پور، امیرحسین، (۱۳۵۷)، *فرویدیسم با اشاراتی به ادبیات و عرفان*، تهران: امیرکبیر.
- آهی، محدثه و رضا گندمی، (۱۳۹۷)، «تحلیل مبانی معرفتی نسبی‌گرایی در اخلاق سکولار»، فلسفه دین، سال ۱۵، شماره ۱، ص ۹۳-۱۲۲.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین
- احمدی، سید احمد، (۱۳۸۷)، *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- احمدیان احمدآبادی، اکرم، و محمد اخوان، (۱۳۹۶)، «نقد سکولاریسم بر اساس مکتب علوی (ع)»، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال ۱۶، شماره ۵۳، ص ۱۳۳-۱۵۴.
- بهشتی، محمد، (۱۳۸۵)، «تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی»، تربیت اسلامی، سال ۲، شماره ۲، ص ۸۹-۱۱۳.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالاحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات.
- توسلی، طیبه، (۱۳۹۲)، «*تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز، تربیت سکولار*»، مشرق موعود، سال ۷، شماره ۲۶، ص ۱۴۳-۱۶۳.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
- حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، (۱۳۸۵)، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- داوریناه، زهرا، و سعید بینای مطلق، (۱۳۹۲)، «*انسان محوری، قلب سکولاریسم، بررسی تطبیقی آرای استاد جوادی آملی و چارلز تیلور*»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال ۳، شماره ۱، ص ۶۷-۸۸.
- دوران‌ت، ویل، (۱۳۹۸)، *لذات فلسفه*، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: علمی و فرهنگی.
- راسل، برتراند، (۱۳۵۷)، *جهانی که من می‌شناسم*، ترجمه روح‌الله عباسی، تهران: امیرکبیر.
- _____، (۱۳۶۲)، *زناشویی و اخلاق*، ترجمه مهدی افشار، تهران: کاویان.
- رحیمی، عبدالله؛ رحیم میردریگوندی و مسعود نورعلیزاده میانجی، (۱۳۹۵)، «*از خدا آگاهی تا خودمهارگری: آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر*»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال ۲، شماره ۳، ص ۶۰-۸۰.
- رفیعی هنر، حمید و عباس آینه‌چی، (۱۳۹۴)، «*رابطه حرمت خود با خودمهارگری: با توجه به جنسیت و وضعیت تأهل*»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال ۱، شماره ۱، ص ۱۱۵-۱۲۸.
- زارعی توپخانه و حدیث چراغیان، (۱۳۹۸)، *انقلاب جنسی و نهضت خودمهارگری در غرب*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زارعی، اقبال، (۱۳۸۹)، «*بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر*»، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، سال ۱۸، شماره ۳، ص ۲۲۰-۲۲۴.
- سربخشی، محمد، (۱۳۸۸)، *اخلاق سکولار: مفاهیم، مبانی، ادله و نقدها*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- شریف الرضی، محمدبن الحسین، (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، قم: هجرت.
- شفیع سروستانی، ابراهیم، (۱۳۹۶)، *نظریه جنسی اسلام و راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب*، تهران، همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف حجاب.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۰)، *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، قابل دست‌یابی در: <https://sccr.ir/Files/>
- طاهرپور، محمد شریف و محمدرضا شرفی، (۱۳۹۲)، «تبیین مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، *تربیت اسلامی*، سال ۸، شماره ۱۷، ص ۵۱-۷۳.
- _____، (۱۳۹۰)، «تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ۳، شماره ۱، ص ۵۳-۷۵.
- _____، (۱۳۹۸)، «تبیین مبانی ارزش‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، تربیت اسلامی، سال ۱۴، شماره ۳۰، ص ۳۹-۶۵.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عباسی، مهدی، (۱۳۹۶)، *الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی*، قم: دارالحدیث.
- فروغی‌نیا، حسین؛ سحر ملک فائز و سادات حسینی، (۱۳۹۸)، «نگرشی به مفهوم کرامت انسانی در پرتو اندیشه‌های فقهی اسلامی»، *پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار*، سال ۲، شماره ۵، ص ۱۱۳-۱۴۰.
- فروید، زیگموند، (۱۳۹۸)، *سه رساله درباره نظریه جنسی*، ترجمه ابراهیم ملک اسماعیلی، تهران: نگاه.
- فقیهی، علی‌نقی، (۱۳۹۸)، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها*، از منظر قرآن و حدیث، قم: دار الحدیث.
- قاسمی خوبی، یعقوب و عبدالحسین خسروپناه، (۱۳۹۲)، «نسبت اخلاق دینی و اخلاق سکولار از منظر علامه طباطبایی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال ۶، شماره ۲۲، ص ۱۹۳-۲۲۲.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، (۱۳۹۵)، *سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران*، قابل دسترسی در: http://book.karnil.com/wp-content/uploads/2017/06/409-sanade-2030.karnil.com_.pdf
- متقی فر، غلامرضا، ۱۳۸۸، *درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفا.
- محرم‌خانی، فریبرز، (۱۳۸۶)، «*نقد مبانی فلسفی سکولاریسم*»، پیک نور - علوم انسانی، سال ۵، شماره ۴ (ضمیمه)، ص ۷۹-۸۸.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، *فلسفه اخلاق*، تهران: صدرا
- _____، (۱۳۹۱)، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران: صدرا.
- _____، (۱۳۹۲)، *انسان‌شناسی قرآن*، تهران: صدرا.
- _____، (۱۳۹۵)، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، تهران: صدرا.
- _____، (۱۳۹۸)، *فطرت*، تهران: صدرا.
- مظاهری، حسین، (۱۳۸۸)، *کاوشی نو در اخلاق اسلامی*، ترجمه محمدرضا آذیر و محمود ابوالقاسمی، تهران: نشر ذکر.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود، (۱۳۹۴)، *از خدا آگاهی تا خودآگاهی و آثار روان‌شناختی آن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، (۱۳۹۷)، *سلامت و اختلال جنسی همسران رویکردی اسلامی و روان‌شناختی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نوری، حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- والدمن، محمد، (۱۳۸۴)، «*چگونگی تنظیم رفتارها و روابط جنسی در غرب و کشورهای اسلامی بر اساس مقایسه جامعه آلمان و اتریش با جامعه ایران*»، تربیت اسلامی (ویژه تربیت جنسی)، سال ۳، شماره ۸، ص ۲۱۹-۲۵۲.
- American Academy of Pediatrics, Committee on Psychosocial Aspects of Child and Family Health & Committee on Adolescence, (2001), Sexuality education for children and adolescents. Pediatrics, 108: 498-502.

- Arslan C, (2009), "Anger, Self-esteem and Perceived Social Support in Adolescence", *Social Behavior and Personality*, 37 (4): 555-564.
- Bailey DN, & Wolf ZR, (2014), "Community-Based Abstinence Education Project: Program Outcomes", *Nursing Forum*, 50(1): P 37-50.
- Bleakley A, Hennessy H, Fishbein M, (2006), "Public Opinion on Sex Education in US Schools", *Arch Pediatr Adolesc Med*, 160 (11):1151-1156.
- Escoffier, J, (2014), "Pornography, Perversity and the Sexual Revolution", In: G Hekma, A Giami (eds), *Sexual Revolutions. Genders and Sexualities in History*, London: Palgrave Macmillan: https://doi.org/10.1057/9781137321466_12.
- Geyer, AL & Baumeister RF, (2005), "Religion , Morality and Self - Control : Values , Virtues and Vices" , In : R. F. Paloutzian and C. Park (Eds) , *Handbook of the Psychology of Religion and Spirituality*, New York: Guilford press.
- Hall, KS; JM Sales, & J Santelli, (2016), "The State of Sex Education in the United States", *Adolesc Health*, 58(6): 595-7.
- Hofer, J; H Busch, & J Kartner, (2011), "Self - regulation and Well - being: The Influence of Identity and Motives", *European Journal of Personality*, (25): 211-224.
- Kagimu, M & et al, (2011), "Religiosity for Promotion of Behaviors Likely to Reduce New HIV Infections in Uganda: A Study Among Muslim Youth in Wakiso District". *Journal of Religion and Health*, 52(4).
- Kohler, PK; LE Manhart, WE Lafferty, (2008), "Abstinence-only and Comprehensive Sex Education and the Initiation of Sexual Activity and Teen Pregnancy", *Adolescent Health*, 42: 344-351.
- Leung, E, et al, (2019), "Development of Contextually-relevant Sexuality Education: Lessons from a Comprehensive Review of Adolescent Sexuality Education Across Cultures Hildi", *Environmental Research and Public Health Review*, 16 (4): 621-645
- Mbotho, M; M Cilliers, & O Akintola, (2013), "Sailing Against the Tide? Sustaining Sexual Abstinence among Christian Youth in a University Setting in South Africa", *Religion and Health*, 52(1): 208-222.
- Middleton, LER, et al, (2013), "Understanding motivations for abstinence among adolescent young women: insights into effective sexual risk reduction strategies", *Pediatr Health Care*, 27: 342-350.
- Rector, RE; KA Johnson, & LR Noyes, (2003), *Sexually Active Teenagers More Likely To Be Depressed And To Attempt Suicide*, Washington, D.C: The Heritage Foundation.
- Santelli, J, et al, (2019), "Abstinence-only-until-marriage policies and programs: An updated position paper of the Society for Adolescent Health and Medicine", *Adolesc Health*, 61(3): 400-403.
- Santrock, J, (2018), *Life-Span, Development*, PublisherMcGraw-Hill Education.

- UNESCO, (2009), International Guidelines on Sexuality Education: An Evidence Informed Approach to Effective Sex, Relationships and HIV/STI Education, Available online:
<https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/8556521DD9D4A9E64925762000240120-UNESCO-Aug2009.pdf>.
- Wang, RH; CP Cheng, & FH Chou, (2009), "Predictors of sexual abstinence behaviour in Taiwanese adolescents: a longitudinal application of the transtheoretical model", Clin.Nurs, 18: 1010-1017.